

چگونه تادیب و تربیت را وارد فرمول پرورشی خود کنیم

تفاوت بین تربیت کردن و تنبیه کردن را به خوبی بدانند تا زمانی که تربیت کردن جواب می دهد نیازی به درک کردن نیست باید قواعد واضح و منطقی و به همان اندازه هم عواقب رعایت نکردن آنها روشن و واضح باشند مزاج نباشید

به خاطر داشته باشید که تربیت و تهدید معنی دارد در طول یک شب رخ نمی دهند

به رفتار خوب پاداش دهید همه ما به تقویت روحیه ناشی از تقویت مثبت نیاز داریم

همانطور که بچه شما از نظر سنی و تکامل رشد می کند و آمادگی انجام مسئولیت های جدید را پیدا می کند قواعد خانه را بازنگری کنید و در نهایت ، تسلیم نشوید و تسلیم نشوید.



مثالی از جبران افراطی:

بسیاری از والدین در رسیدگی به تک فرزند زیاده روی می کنند، چون هم توان آن را دارند و هم از آن لذت می برند. آن ها ضرورتاً در مورد داشتن یک بچه احساس گناه نمی کنند. جبران افراطی، چه مادی و چه عاطفی، به طور کامل در اثر احساس گناه رخ می دهد. آزادی مفرط و جبران افراطی ممکن است در ظاهر به هم خیلی شبیه باشد، اما ماهیت آن ها متفاوت است. والدینی که بیش جبران هستند همیشه سعی دارند که داشتن تک فرزند را جبران کنند، اما والدینی که آزادی مفرط می دهند، ممکن است از داشتن یک بچه احساس خوشحالی کنند و به سادگی از لوس و نتر کردن او لذت ببرند.

والدین تک فرزند غالباً به احساس گناه درونی خود، عدم پذیرش جامعه، فشارهای خانوادگی و سایر عوامل با انواع رفتارهای بیش جبران پاسخ می دهند، که برای بچه رفتاری سالم نیست. والدینی که به خاطر ناتوانی فقط یک فرزند دارند، برای چیزهای زیادی خود را سرزنش می کنند، به فرزند قبول

نکردن بچه ای دیگر، عدم پیگیری شدیدتر درمان نازایی، طولانی بودن ساعت کاری و حتی دیر بچه دار شدن.

والدین تک فرزند در بسیاری مواقع هنگامی که به تک فرزند خود نگاه می کنند در خود احساس گناه می کند و برای فرار از این احساس گناه ممکن است دست به بیش جبرانی زنند برای مثال:

" ماریا مادر یک پسر ۷ ساله است و نازایی ثانویه رنج می برد و هر روز خود را با احساس گناه خرج می دهند و نگران آن است که مبادا پسرش احساس تنهایی کند و هم حالا و هم در آینده رنج ببرد به خاطر اینکه برادر و خواهری ندارد و می خواهد که پسرش را در عشق و دوست داشتن غرق کند و بهترینهایی که در توان دارد چه مالی چه عاطفی برایش فراهم کند.



بیش ثبت نامی و زمان بندی افراطی

جبران افراطی می تواند خود را به شکل زمان بندی افراطی و ثبت نام کردن فرزند در کلاسهای متعدد (بیش ثبت نامی) بروز دهد .

حضورتان را پررنگ کنید نه دادن هدیه را

فراهم کردن انواع امکانات و هدایا ،یکی از اقدامات والدین تک فرزند برای کند کردن لبه تیز احساس گناه است ،به ویژه والدینی که به خاطر غرق شدن در دنیای کار آن طور که باید در کنار فرزند خود نیستند .ما اغلب برای فرزندانمان وقت نمی گذاریم و از طریق اسباب و لوازم ،نبودمان را در کنار فرزند جبران می کنیم .اگر بیش از یک فرزند داشتیم ،نبود ما را وجود خواهر و برادر تا حد زیادی جبران می کرد.آن چه که کودک نیاز دارد در کنار والدین بودن است نه کنار هدایا !

زن و مرد یا در محل کارند یا در اندیشه اش ،کوچک و بزرگ یا پای تلویزیونند و یا با گوشی هایشان ،و در میان این همه هیاهو معجزه است اگر چشمه زندگی نخشکد!

فصل 2 حذف نکات تربیتی نادرست والدین با تک فرزندی

چگونه تادیب و تربیت را وارد فرمول پرورشی خود کنیم

تفاوت بین تربیت کردن و تنبیه کردن را به خوبی بدانند تا زمانی که تربیت کردن جواب می دهد نیازی به درک کردن نیست باید قواعد واضح و منطقی و به همان اندازه هم عواقب رعایت نکردن آنها روشن و واضح باشند.دم می مزاج نباشید .

به خاطر داشته باشید که تربیت و تادیب معنی دارد در طول یک شب رخ نمی دهند

به رفتار خوب پاداش دهید همه ما به تقویت روحیه ناشی از تقویت مثبت نیاز داریم

همانطور که بچه شما از نظر سنی و تکامل رشد می‌کند و آمادگی انجام مسئولیت‌های جدید را پیدا می‌کند قواعد خانه را بازنگری کنید و در نهایت تسلیم نشوید و تسلیم نشوید.

مثالی از جبران افراطی:

والدین تک فرزند در بسیاری مواقع هنگامی که به تک فرزند خود نگاه می‌کند در خود احساس گناه می‌کند و برای فرار از این احساس گناه ممکن است دست به بیش جبرانی زنند برای مثال :

" ماریا مادر یک پسر ۷ ساله است و نازایی ثانویه رنج می‌برد و هر روز خود را با احساس گناه خرج می‌دهند و نگران آن است که مبدا پسرش احساس تنهایی کند و هم حالا و هم در آینده رنج ببرد به خاطر اینکه برادر و خواهری ندارد و می‌خواهد که پسرش را در عشق و دوست داشتن غرق کند و بهترینهایی که در توان دارد چه مالی چه عاطفی برایش فراهم کند. بیش ثبت نامی و زمان بندی افراطی از جبرانهای افراطی می‌باشد. فراهم نمودن انواع امکانات و هدایا و توان مالی و عاطفی برای تک فرزند خانواده نیز از مثالهای افراطی می‌باشد.

عکس العمل شدید به مسائل مادی

والدینی که حضور لازم را در منزل ندارند و والدینی که در کار خود غرق شده اند و به خاطر درگیر نبودن و در مسایل بچه خود احساس گناه می‌کنند ، به والدینی تبدیل می‌شوند که من آن‌ها را والدین واکنش سریع می‌نامم. به عبارت دیگر، آن‌ها به شکلی غیر عادی نسبت به آن چه که در زندگی بچه شان می‌گذرد، واکنش نشان می‌دهند .

برای مثال اگر نسبت به کارهای تحصیلی بچه خود توجهی نکرده باشند و بچه در درس ریاضی نمره بد گرفته باشد، این والدین ممکن است به طور ناگهانی، تصمیم بگیرند که فشار را زیاد کنند. به جای این که به طور مداوم در درس بچه درگیر باشند و در جریان سختی‌ها و مشکلاتی که بچه ممکن است در مدرسه تجربه کند، باشند "آن‌ها برای کنترل خسارت، سرعت را زیاد می‌کنند. پس از اینکه معلمان زیادی برای تدریس خصوصی بچه می

گیرند تا مشکل را حل کنند، با رضایت خاطر به دفتر کارشان بر می گردند، چون نقش والدی خود را یک روز بازی کرده اند .

بر خلاف کودکان تک فرزند، بچه هایی که برادر و خواهر دارند دایم نگران نبودن والدین خود نیستند، آن ها نیز به توجه والدین نیاز دارند، اما به واسطه وجود خواهر و برادر کمتر در این زمینه احساس نیاز می کنند. بچه های دارای برادر و خواهر این شانس را دارند که ناراحتی و نگرانی های خود را سر هم دیگر خالی کنند، که گاهی اوقات موجب افت عصبانیت آن ها می شود .



عکس العمل مفرط به خواسته های بچه

بدترین احساس گناه، احساس گناهی است که ممکن است نسبت به فرزندمان داشته باشیم، احساس گناهی که می تواند تا آخر عمر ما را عذاب دهد. اغلب والدینی که به خاطر تک فرزند بودن احساس گناه می کنند، این

نارضایتی را به بچه خود نیز منتقل می کنند. این نارضایتی به ویژه در مادران شاغل بیش تر است. آن ها از چیزی رنج می برند که اصطلاحاً به آن "گناه مادران شاغل" گفته می شود.

توقعات غیر منطقی و غیر واقع بینانه

بالغین پخته به خوبی می دانند که فرد کامل و زندگی کامل وجود ندارد، مگر در رویاها یا در فیلم ها، اما هنوز والدین تک فرزندی وجود دارند که حداقل بعضی مواقع از فرزند خود توقع "بدون نقص بودن" دارند. داشتن تک فرزند گاهی منجر به توقعات غیر منطقی و غیر واقع بینانه ای می شود که در والدین چند فرزندی دیده نمی شود، و این به این خاطر است که کل عشق و آرزو و امید آن ها در وجود یک فرزند جمع می شود.

تجربه به والدینی که بیش از یک فرزند دارند، آموخته است که هر بچه ای دارای توانایی ها و شخصیت متفاوتی است. اگر یک بچه سر به هواست و نمی تواند به خاطر آورد که کفش خود را کجا گذاشته است، دیگری ممکن است یک فرد دقیق و سازمان دهنده فوق العاده عالی باشد. والدین تک فرزند ممکن است برای اینکه فرزندشان در مدرسه، ورزش و یا با دوستان بهترین باشد، فشار خیلی بیش تر از آن چه که بچه می تواند تحمل نماید، وارد کنند.

به هر حال فشار آوردن می تواند رویه مثبت نیز داشته باشد.

اگر ک.دکان به طور صحیح توقعات والدین خود را فهمیده باشند، می توانند از فشار مشوق در مسیر صحیح استفاده کنند و به آنها کمک کند که راه خود را پیدا کنند.

تک فرزندها معمولاً توجه دقیق تری به اهداف و خواسته های والدین خود دارند. این فشارها گرچه ممکن است منجر به پیشرفت درسی تک فرزند شود، ولی باید بدانیم که امکان دارد او را از تعادل روانی خارج سازد.



چرا والدین تک‌فرزند بر فرزندشان فشار می‌آورند :

تک‌فرزندها مثل بچه‌های روی صحنه نمایش هستند وقتی که در مرکز توجه قرار می‌گیرند، چیزهای جادویی می‌تواند رخ دهد، اما اگر اشتباهی از آنها سر بزند، خیلی بارز و بزرگ جلوه می‌کند.

کودک تک‌فرزندی که از بدو تولد تا این لحظه توسط والدین تحت نظر بوده است، به سختی باور می‌کند که هر حرکت وی مورد ارزیابی و قضاوت قرار نمی‌گیرد.

زمانی که والدین و بچه هم دیگر را این قدر خوب درک می‌کنند، این مساله می‌تواند خیلی خوب یا بالعکس ناراحت‌کننده باشد: "هر بار که والدینم به من نگاه می‌کنند، فکر می‌کنم تمامی رازها و اسرار مرا می‌دانند. اگر من چشمم را متفاوت از قبل هم بزوم، آن‌ها متوجه شده و از من می‌پرسند چه شده است؟"

والدین تک فرزند آرزوهای خیلی زیادی برای فرزند خود دارند، آنها فقط یک بچه دارند و اگر بچه خوب از آب در نیاید، شانس دیگری وجود ندارد. موفقیت یا شکست آنها در نقش یک پدر یا مادر، به طور نزدیکی به موفقیت یا شکست بچه گره خورده است.

رقابت با دیگر والدین

رقابت اسم بازی است که در هر مرحله ای از زندگی ما وجود دارد. ما برای همه چیز از شغل گرفته تا فضای پارکینگ رقابت می کنیم. برای بعضی از ما، رقابت کردن خیلی جالب تر از یک وعده غذایی عالی است. بعضی از والدین تک فرزند فکر می کنند که برای رقابت بهتر با والدینی که بیشتر از یک بچه دارند، باید بچه آنها به تنهایی از مجموع فرزندان خانواده های رقیب برتر باشند.

میل به مقایسه تک فرزند خود با بچه های دیگر می تواند خیلی شدید باشد. والدین چند فرزند فرصت فخر و بالیدن طولانی تری نسبت به والدین تک فرزند دارند، و بردن رقابت برای والدین تک فرزند خیلی مشکل تر است، چون یک نفر نمی تواند چندین استعداد و پیشرفت به اندازه دو بچه یا بیش تر داشته باشد.

انتقاد بیش از حد

والدین کمال گرا غالباً والدین انتقادی هستند. والدین می توانند عدم تایید خود را بصورت کلامی یا از طریق ارتباط غیر کلامی بیان کنند، که شامل زبان بدن و حالات چهره است. فرزند نیز این تغییر چهره و معنا و مفهوم آن را درک می کند.

بعضی از والدین راه مستقیم انتقاد کردن را در پیش می گیرند و این رویه را از زمان کوچکی بچه خود شروع می کنند. آنها ممکن است توقع خیلی زیادی از تک فرزند خود داشته باشند. زیرا فکر می کنند او خیلی توانمند، باهوش و استثنایی است، گرچه او ممکن است یک بچه نرمال باشد که مسیر تکامل طبیعی خود را طی می کند. والدینی که آشکارا یا مخفیانه دست به مقایسه بچه خود با بچه دیگران می زنند، اصولاً والدینی انتقادی هستند، اما ممکن

است خودشان این مساله را قبول نکنند. والدینی که انتقادی هستند، ریزبین هم هستند و هیچ کس مثل والدین این تک فرزندها نمی تواند به جزئیات توجه داشته باشد، زیرا آنها بیش از حد روی بچه خود متمرکز می شوند. وقتی که والدین همیشه نظارت و قضاوت می کنند، تک فرزند احساس عصبانیت خواهد کرد، اما به خاطر این که رضایت والدین برایش خیلی مهم است، سعی می کند به جای خوشحال کردن خودش، آنها را خوشحال کند. این موجب می شود که آرامش از بچه گرفته شود و به سختی بتواند سطح توانمندیهای خود را پیدا کند.



عواقب توقعات غیر منطقی

تشویق بچه به انجام همه چیز یا همه چیز بودن موجب سر در گمی او می شود، زیرا قدرت تصمیم گیری او را مهار می کند و نتیجه اش بچه ای است که در زیر بار گزینه ها و تصمیمات خم می شود. اگر بچه فکر کند که می تواند (یا باید) همه کارها را انجام دهد، هنگامی به این باور می رسد که قادر نیست تمامی رویاهایش را هم

زمان پیگیری کند، به فردی مضطرب تبدیل می شود. تک فرزندهای جاه طلب خیلی به خودشان سخت می گیرند، به خصوص زمانی که خودشان و هم چنین بالغین از آن ها توقع خیلی بالایی داشته باشند.

تک فرزندی که شدیداً احساس دین نسبت به والدین خود دارد، ممکن است تلاش کند که همه چیز را مطابق انتظار آنها انجام دهد. وی ممکن است تلاش کند که به اندازه پدرش معروف شود یا تحصیلاتی در سطح مادرش داشته باشد.

تک فرزندهایی که خیلی نسبت به مطلوب و کامل بودن اشتغال ذهنی دارند، ممکن است توانایی هم دلی با دیگران را از دست بدهند، زیرا هدف و تمایل اصلی آن ها دست یابی به اهدافشان است.



چگونه والدین می توانند از کمال گرایی مخرب اجتناب کنند؟

-روش های آزمایشگاهی و روحیه آزمایش کردن را کنار بگذارید. بچه شما نمونه آزمایش نیست.

-از تجزیه و تحلیل کوچک ترین بخش از رفتارهای وی اجتناب کنید.

-پذیرید که ممکن است نیازها و تمایلات شما با فرزندتان کاملا متفاوت باشد.

-عشق و تایید را باهم قاطی نکنید. هیچ کدام به دیگری وابسته نیست .

-به جای اینکه ببینید شما از بچه خود چه می خواهید ، روی این کار کنید که بچه شما کیست و چه توانایی هایی دارد.

-از تفاوت های فردی فرزندتان حمایت کنید .بچه خود را با دیگران مقایسه نکنید .هر فردی منحصر به فرد است.

-این واقعیت را بپذیرید که بچه هاگاهی تصمیمات ضعیف و بد گرفته واز آن ها درس می گیرند .کمال برای خداست نه انسان

برخورد با بچه همانند یک فرد بالغ

والدین تک فرزند ممکن است خانواده خود را به صورت سه تفنگ دار ببینند:آن ها با هم غذا می خورند ، با هم سفر می روند،با هم در اجتماع هستند ،حتی مهمانی ها و مجالسی که شرکت می کنند ،فقط برای بالغین است .

وقتی که دو بالغ ویک بچه گروهی را تشکیل می دهند ،طبیعی است که رای اکثریت حکم کند،چون تعداد بچه ها کم تر است .

خلق خانه ای کودکانه در جایی که فقط یک بچه وجود دارد ،تقریبا غیر ممکن است ، در حالی که در خانه های دارای دو یا سه بچه ،هرگز تعداد بالغین از بچه ها بیش تر نمی شود.

تک فرزندان ممکن است به شیوه های دیگری نیز بالغ منش شوند ممکن است به او صدای خیلی قوی در تصمیمات خانوادگی داده شود ،اگر چه فاقد مهارت های استدلال و تجارب زندگی بالغین است .کودکی که چنین قدرتی به او داده شده ،ممکن است تصور کند که بخشی از زندگی زناشویی والدین خود می باشد و برای رفع تضاد بین والدین

می تواند اظهار نظر کند. این موجب می شود که اگر والدین طلاق بگیرند، او احساس مسئولیت و گناه کند و موارد شدید آن در مریضی یا مرگ والدین رخ می دهد، اما این خود، طرف روشن و مثبتی نیز دارد. تک فرزندی که زمان زیادی را با بالغین می گذرانند، در برخورد با معلمان، مصاحبه های شغلی، جلسه با افراد بالغ احساس راحتی می کند. آن ها غالباً در محیط خارج از منزل دارای خود اطمینانی هستند که فراتر از توان بچه های دارای برادر و خواهر است، اما به زعم آلپورت یکی از نظریه پردازان مشهور شخصیت، کودکی نکردن در زمان مخصوص به خودش با هیچ چیزی قابل جبران نخواهد بود.



چگونه والدین مانع کودکی نمودن تک فرزند خود می شوند؟

تک فرزند هرگز نباید احساس کند که باید به سرعت از بچگی به دوران بلوغ برسد. دوران بچگی فرایندی است که

تضمین شود، تا سفر زندگی را با روال طبیعی و به شیوه خودش طی کند. تک فرزندی به خودی خود فرصت تجربه نمودن تمام عیار دوران کودکی را از فرزندمان می گیرد، و شاید به همین دلیل باشد که استانی هال موسس و نخستین رئیس انجمن روان شناسی آمریکا معتقد است که تک فرزند بودن به خودی خود یک بیماری است .

دخالت دادن زیادی بچه

معمولا تک فرزندها در بحث های بزرگسالان در مورد مسایل مهمی که روی خانواده اثر می گذارد، شرکت داده می شوند، زیرا فقط سه نفر در خانواده وجود دارد که با هم به تعامل می پردازند .

بعضی از والدین فکر می کنند که باید همه چیز را به تک فرزند خود بگویند، زیرا نمی خواهند مثل والدین خودشان باشند که همه چیز را از آن ها مخفی می کرده اند. چیزی که این والدین فراموش کرده اند این است که مسائل سر در گم کننده ای در زندگی بالغین وجود دارد که هنوز بچه ها توانایی درک آن را ندارند، و یا به آن اطلاعات نیاز نداشته یا خواهان آن نیستند و در حقیقت، ممکن است آنها را گیج کرده یا بترساند. اطلاعات خیلی زیاد به معنی انتقال ترس های جدید و زیاد است .

تک فرزندها اغلب به رابطه بین والدین خود چنان حساسیتی نشان می دهند که در بچه های دارای برادر و خواهر دیده نمی شود. در خانواده چند فرزندی اگر والدین بحث یا عدم توافقی داشته باشند، به احتمال کمتری بچه ها آن را می شنوند و اگر هم بشنوند خیلی به آن اهمیت نمی دهند، زیرا معمولا با هم مشغول هستند.

چگونه والدین از بالغ سازی تک فرزند خود اجتناب کنند؟

گلچینی از نظرات والدین تک فرزند با تجارب فراوان :

- سعی کنید خانه ای بسازید که در آن کودک شما کودک باشد، در خانه کودک مدار (ونه کودک سالار)، کودک در آوردن دوستان خود، بازی کردن با دوستان، خوردن غذا، ریخت و پاش احساس راحتی می کند.

داشتن خواهر یا برادر مهم ترین راهی است که به کودک این فرصت را می دهد که کودکی کند.

- مسایل رسمی را به مواقع خاص یا اتاق نشیمن ببرید. حد و مرزی مشخص کنید. وقتی وسوسه می شوید که کودک خود را به بخشی از زندگی مشترک خود وارد کنید یا او را در تضادهای زندگی خود درگیر کنید، یک بار دیگر به مساله فکر کنید، به خاطر داشته باشید که کودک شما قاعدتا هر دوی شما را یکسان دوست دارد و نمی خواهد طرف یکی از والدین را بگیرد.

تحسین افراطی و بیش از حد

تحسین افراطی و بیش از حد شامل موارد زیر می باشد:

- زیاد تحسین کردن کودک

- تحسین مبالغه آمیز و فراگیر

- جبران زمان از دست رفته

مسیرهای رایج بیش تحسینی

-استفاده از عواطف فیزیکی به عنوان تحسین

-قرار دادن بچه خود در اوج

-تحسین با پاداش های مادی



عواقب بیش تحسینی فرزند

تک فرزندی که به صورت افراطی تحسین شده است، تقریباً هر کاری را به خاطر جایزه و تحسین آن انجام می دهد. چنین فردی معتاد به تایید و تحسین می شود، و اگر در جمعی مورد انتقاد قرار بگیرد به شدت دل آزرده و حتی ممکن است برای رسیدن به تایید مورد نیازش دست به تقلب و دروغ بزند.

بیش تحسینی می تواند فشاری بر بچه ایجاد کند که نتیجه معکوس داشته باشد. والدین تک فرزند به ندرت عالی بودن بچه خود را باور ندارند. وقتی یک بچه داری فکر کردن به غیر از او تقریباً غیر ممکن است و این مساله فشار زیادی برای بچه به همراه دارد. هیچ کس نمی تواند تمام وقت عالی باشد و بچه ای که احساس می کند همیشه

باید خارق العاده باشد، چون والدینش این طور فکر می کنند، فشار خیلی زیادی را تحمل می کند، به طوری که همیشه در لبه تیغ زندگی می کند. تحسین نا به جا می تواند موجب شود که تک فرزند در بین بچه های دیگر بیگانه و خارجی نمود کند.

بچه ای که زیاد تحسین شده باشد به سختی می تواند خودش را تحسین کند و ممکن است همیشه به دنبال تصدیق و تحسین دیگران باشد. بچه ای که به خاطر چیزی که به دست نیاورده است، تحسین می شود، نمی تواند احساس خوبی از این تحسین داشته باشد. این بچه ای است که می ترسد چیزی را امتحان کند، زیرا از شکست خوردن می ترسد.

چگونه والدین از بیش تحسینی تک فرزند خود اجتناب کنند؟

-وقتی در مورد موفقیت های بچه خود صحبت می کنید، از تشویق کلی بپرهیزید، بلکه از رفتار مورد نظرتان تعریف کنید.

-به همراه تحسین های خاص، انتقاد سازنده هم داشته باشید

-وقتی بچه شما کاری سخت را انجام می دهد، او را با کلماتی از قبیل "سعی خودت را بکن، از نتیجه وحتصل کار نترس"، تشویق کنید، اما گفتن "صد البته که می توانی انجامش دهی"، بیشتر او را تحت فشار قرار می دهد تا این که به او اطمینان دهد.

-به بچه فرصت رفع اختلاف نظر با دوستانش را بدهید، مگر اینکه رفتار آن ها به برخورد فیزیکی تبدیل شود.

-این مسئولیت تک فرزند شماست که در مدرسه خوب عمل کند برای هر مشقی که می نویسد به او پاداش ندهید.

فصل هشتم

خلاصه

1-والدین تک فرزند آرزوهای خیلی زیادی برای فرزند خود دارند، آنها فقط یک بچه دارند و اگر بچه خوب از آب در نیاید، شانس دیگری وجود ندارد. موفقیت یا شکست آن ها در نقش یک پدر یا مادر به طور نزدیکی به موفقیت یا شکست بچه گره خورده است .

2- تجربه نشان داده است که خانواده های چند فرزندی، بعد از اولین کوفتگی و کبودی ممکن است واکنش نشان دهند، اما برای دومی یا بعدی واکنش چندانی ندارند. آنها می دانند که زخم ها نهایتاً خوب می شوند، اما والدین تک فرزند به ندرت به این دانش خود اعتقاد دارند. والدینی که بلافاصله برای کمک به کودک خود نمی شتابند، کودکانی دارند که یاد گرفته اند وحشت خود را کنترل کنند، اما والدینی که سعی کرده اند کودک خود را از همه چیز محافظت کنند و اضطراب او را کم کنند، در واقع موجب تشدید استرس بچه شده اند .

3-در خانواده های چند فرزندی بچه های دوم و سوم خیلی وقت ها با اسباب بازی های خواهر و برادر خود بازی می کنند و لباس های خواهر و برادر بزرگ تر را می پوشند. منظور این نیست که بچه های خانواده های پر جمعیت نیاز به توجه ندارند، آنها می آموزند که کم تر درخواست و تقاضا بکنند. اما والدین تک فرزند، ناخواسته ممکن است در طول زمان به ماشین خشنود ساز کودک خود تبدیل شوند. مشکل این جاست که آن ها اطلاع ندارند که توجه بیش از اندازه و فراهم کردن همه چیز به بچه آسیب می زند .

4- در بچه های چندفرزندی، بچه ها صبر می کنند، زیرا مجبور هستند. آنها فرصت بیشتری دارند تا متوجه شوند فرد دیگری ممکن است بر نیاز آنها اولویت و تقدم داشته باشد، ولی تک فرزند می داند که او در اولویت است و بر همه چیز تقدم دارد.

5-در خانوارهایی که بیش تر از یک بچه دارند، بچه ها خیلی در حرکات و سلوک والدین خود درگیر نیستند، اما در خانه های تک فرزند، هیچ چیزی نشنیده یا ندیده باقی نمی ماند .

6- ما اغلب برای فرزندانمان وقت نمی گذاریم و از طریق اسباب و لوازم، نبودمان را در کنار فرزند جبران می کنیم . اگر بیش از یک فرزند داشتیم، نبود ما را وجود خواهر و برادر تا حد زیادی جبران می کرد. آن چه که کودک

نیاز دارد در کنار والدین بودن است نه کنار هدایا !

7- برخلاف کودکان تک فرزند، بچه هایی که برادر و خواهر دارند دایم نگران نبودن والدین خود نیستند، آن ها نیز به توجه والدین نیاز دارند، اما به واسطه وجود خواهر و برادر کمتر در این زمینه احساس نیاز می کنند. بچه های دارای برادر و خواهر این شانس را دارند که ناراحتی و نگرانی های خود را سر همدیگر خالی کنند، که گاهی اوقات موجب افت عصبانیت آن ها می شود.

8- بدترین احساس گناه، احساس گناهی است که ممکن است نسبت به فرزندمان داشته باشیم، احساس گناهی که می تواند تا آخر عمر ما را عذاب دهد. اغلب والدینی که به خاطر تک فرزند بودن احساس گناه می کنند، این نارضایتی را به بچه خود نیز منتقل می کنند. این نارضایتی به ویژه در مادران شاغل بیشتر است.

9- داشتن تک فرزند گاهی منجر به توقعات غیر منطقی و غیر واقع بینانه ای می شود که در والدین جند فرزند دیده نمی شود، و این به این خاطر است که کل عشق و آرزو و امید آن ها در وجود یک فرزند جمع می شود. تجربه به والدینی که بیش از یک فرزند دارند، آموخته است که هر بچه ای دارای توانایی ها و شخصیت متفاوتی است. اگر یک بچه سر به هواست و نمی تواند به خاطر آورد که کفش خود را کجا گذاشته است، دیگری ممکن است یک فرد دقیق و سازمان دهنده فوق العاده عالی باشد.

10- خلق خانه ای کودکانه در جایی که فقط یک بچه وجود دارد، تقریباً غیر ممکن است، در حالی که در خانه های دارای دو یا سه بچه، هرگز تعداد بالغین از بچه ها بیش تر نمی شود.

11- تک فرزندها اغلی به رابطه بین والدین خود چنان حساسیتی نشان می دهند که در بچه های دارای برادر و خواهر دیده نمی شود. در خانواده چند فرزندی، اگر والدین بحث یا عدم توافقی داشته باشند، به احتمال کم تری بچه ها آن را می شنوند و اگر هم بشنوند خیلی به آن اهمیت نمی دهند، زیرا معمولا با هم مشغول هستند.

12- در خانواده های دارای بیش تر از یک بچه، بسیاری از کارهایی که بچه ها انجام می دهند، بدون تحسین و نادیده گرفته می شود. والدین چند فرزند زمان کافی برای تماشای سه بچه با تشویق های بیست و چهار ساعته ندارند، اما والدین تک فرزند همه چیز را می بینند و می شنوند.

کوچک ترین اظهار نظری که کودک بیان می کند، بلافاصله از او تعریف می کنند، به جای اینکه به صورت عادی فقط بچه را تماشا کنند. اگر این والدین به بزرگ کردن بچه خود به این شیوه ادامه دهند، فردی را بزرگ می کنند که انتظار دارد در هر گامی که برمی دارد، حتی اگر توپ را به دیوار بزند، با همان اشتیاق تحسین و تمجید شود.

13- وقتی فقط یک بچه دارید، فکر کردن به غیر از او تقریبا غیر ممکن است و این مساله فشار زیادی برای بچه به همراه دارد. هیچ کس نمی تواند تمام وقت عالی باشد و بچه ای که احساس می کند همیشه باید خارق العاده باشد - چون والدینش این طور فکر می کنند- فشار خیلی زیادی را تحمل می کند، به طوری که همیشه در لبه تیغ زندگی می کند.

14- دوران بچگی فرآیندی است که باید چشیده شود، مسابقه ای نیست که هرچه سریع تر به پایان برسد. و لذا باید حق گذر از این مسیر برای هر فرزندی تضمین شود، تا مسیر زندگی را با روال طبیعی و به شیوه خودش طی کند. تک فرزندی به خودی خود فرصت تجربه نمودن تمام عیار دوران کودکی را از فرزندمان می گیرد، و شاید به همین علت باشد که استانلی هال موسس و نخستین رئیس انجمن روان شناسی آمریکا معتقد است که "تک فرزندی به خودی خود یک بیماری است"

